

## جهان، در سالی که گذشت

# اوج گیری مبارزه برای صلح و بر ضد جهانی شدن

افغانستان و در اوج تبلیغات همه جانبه رهبران ایالات متحده در مورد ضرورت هدف قرار دادن کشورهای که متهم به حمایت از تروریسم (بخوان مخالفت با هژمونی آمریکا هستند) آغاز شد. سران تنها ابر قدرت موجود با بهره جویی کامل از شرایط به وجود آمده بدلیل حملات بی سابقه تروریستی ۱۱ سپتامبر به ساختمان های "مرکز تجارت جهانی" در نیویورک کوششی عظیم و حساب شده برای تثبیت نهایی و ابدی نظم نوین جهانی یی که برای بیش از ده سال در دستور کار آنان بود، را سازمان دادند. بررسی واقعی رخداد های سال گذشته و توجه به محتوای واقعی سیاست های عمل شده ایالات متحده و

ادامه در صفحه ۴

مطالعه تحولات سال ۲۰۰۲ میلادی مشخصه های دو روند کاملاً متفاوت و به لحاظ ماهیتی متضاد را به نمایش می گذارد. در سال گذشته از يك سو کوشش نیرو های مدافع سرمایه داری برای تثبیت نظم جهانی مورد نظرشان به اوج رسید و از سویی دیگر جبهه متنوع نیرو های مخالف "جهانی شدن" سرمایه داری در گردهمایی های پورتو الگره و فلورانس، در تظاهرات ده ها میلیونی ضد جنگ در پایتخت های اکثر کشورهای سرمایه داری و در انتخابات برزیل توان عظیم توده ها به مقاومت آگاهانه و فعال و پیروزی را آشکار کرد.

سال ۲۰۰۲ میلادی در بحبوحه جنگ در



شماره ۶۵۱، دوره هشتم  
سال نوزدهم، ۱۷ دی ماه ۱۳۸۱

**نامه شماری از نمایندگان کارگران شرکت نفت به کارشناسان سازمان بین المللی کار در صفحه ۳**

## دادگاه عبدی تکرار سناریوی کهنه اقراریر

تشکیل دادگاه فرمایشی عباس عبدی و سخنان او در دادگاه عکس العمل های گسترده یی را در محافل سیاسی و اجتماعی کشور بر انگیخت. اشاره عبدی به اشتباهات انجام گرفته و ضرورت بازبینی در ارزیابی های سیاسی جبهه نیرو های اصلاح طلب که چرخشی در موضع گیری های عبدی قبل از دستگیری او توسط گزندگان ارتجاع بود يك بار دیگر نشان داد که شکنجه گران و مزدوران "ولی فقیه" آماده اند تا برای دست یابی به اهداف پلیدشان به هر حربه یی دست بزنند. سناریو به راه اندازی "اقراریر تلویزیونی" پدیده جدیدی در حکومت رژیم ولایت فقیه نیست. مردم ما به یاد دارند که شکنجه گران رژیم پس از یورش های سبعانه به نیرو های مترقی، از جمله حزب توده ایران چگونه انسان های درهم شکسته یی را به تلویزیون آوردند تا به گناهان ناکرده اعتراف کنند. در میان جار و جنجال های تبلیغاتی آن دوران حزب توده ایران از جمله معدود نیرو های سیاسی کشور

ادامه در صفحه ۲

## حرکت گام به گام و تاکتیک های گوناگون ارتجاع حاکم برای خفه کردن جنبش اصلاح طلبی

بیان اینکه جناح افراطی ضد اصلاحات تصمیم قطعی خود را برای حذف اصلاح طلبان گرفته است، در اشاره به صحبت های شریعتمداری که در این باره سخنانی را گفته بود، اظهار داشت: "اعلام انحلال مشارکت را نباید سخن شریعتمداری تلقی کرد. جبهه اصلاحات باید با راهکارهای قانونی در فرصت باقی مانده تا انتهای مجلس ششم جلوی این حرکت را بگیرد." (ایسنا، ۲۵ آذر) روزنامه "رسالت"، اول دی ماه، طی مقاله یی در این رابطه می نویسد: "رسوایی فروش اطلاعات به بیگانه، سرآغاز ماجرای برای حزب مشارکت است که از این نقطه به بعد آن را با نیرویی فزاینده و به سرعت به سمت پایانی تراژیک-کمیک به پیش می راند. عبدی، رادیکال ترین عضو مشارکت، نماد حزب، خلاصه و چکیده آن و نمایشی زنده بود از آنچه که در عمر کوتاه حزب مشارکت می بایستی اتفاق می افتاد، عبدی در آن واحد، گذشته، حال و آینده مشارکت را در خود منعکس می ساخت. حزب مشارکت با عبدی آغاز شد و با عبدی نیز به پایانی زود هنگام رسید، پایان عبدی به معنای پایان حزب مشارکت است. " همین روزنامه در همان تاریخ از قول مرتضی نبوی می نویسد: "حزب مشارکت پیش از این موجودیت خود را با افرادی که هویت واقعی آنها دیگر

ادامه در صفحه ۶

تحولات سیاسی میهن ما در چند هفته گذشته با تشکیل دادگاه فرمایشی عبدی و همکاریش وارد مرحله جدیدی شد. مسأله حذف یا انحلال جبهه مشارکت، "سقوط رادیکالیسم"، و وفات جناح ها در مقابل خطر خارجی، از جمله موضوعاتی بودند که همزمان با آغاز محاکمه عبدی در سخنان حکومتیان و ارگان های تبلیغاتی آنها به شکل برجسته یی مطرح شدند. محاکمه عباس عبدی و گرانیایه در کنار فراخواندن شماری دیگر از دگرانديشان و مدافعان روند اصلاحات به دادگاه های رژیم، تشدید فشار بر جنبش دانشجویی و یورش وسیع تبلیغاتی بر ضد نیروها و شخصیت هایی که از ادامه روند اصلاحات حمایت می کنند، حکایت از حرکت گام به گام و از پیش تنظیم شده مرتجعان حاکم برای خفه کردن جنبش اصلاح طلبی دارد. جلالی زاده عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت، با ذکر این نکته که نوبت هجوم مخالفان اصلاحات به حزب مشارکت رسیده است، گفت: "از چند سال قبل معلوم بود که به عنوان مختلف، سازمان مجاهدین و حزب مشارکت به دلیل شفافیت و روشنی مواضعشان مورد آماج هجوم مخالفین اصلاحات قرار می گیرند. پس از سازمان مجاهدین حال نوبت به حزب مشارکت رسیده است که در معرض تهمت ها و حملات و هجوم مخالفان اصلاحات قرار گیرد" (ایسنا، ۲۵ آذر). رثوفی، عضو دیگر جبهه مشارکت با

## اطلاعیه دبیر خانه «شورای جهانی صلح» در صفحه ۸

**با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!**

ادامه دادگاه عبیدی تکرار . . .

بود که بر رگم همه فشارهای تبلیغاتی اعلام کرد که، سخنان و "اعترافات" قربانیان شکنجه فاقد هرگونه ارزش و اعتباری است و چرخش های تند عقیدتی و سیاسی کسانی که روزها و ماه ها در دست دژخیمان اسیر را بودند را نمی توان با توجه به آن شکنجه های جهنمی داغ و درفش قرون وسطایی، باور کرد.

در میان اظهار نظرهایی که در زمینه دادگاه عبیدی صورت گرفته است سخنان تاج زاده بیش از دیگران قابل تأمل است. تاج زاده در این زمینه می گوید: من پیش از تشکیل دادگاه در مصاحبه با روزنامه کیهان گفتم که از نظر من اگر متهمی مدتی دستگیر بشود و در سلول انفرادی به سربرد و ارتباطش با خارج قطع شود و او را از سلول انفرادی به دادگاه بیاورند و در آنجا از خودش دفاع بکند، اظهارات او فاقد اعتبار است چون در شرایط طبیعی ایراد نشده است. تاج زاده در مورد کیفرخواست مطرح شده، گفت: "کیفرخواستی که علیه دوستان مطرح شده، دو بخش است. یک بخش به موسسه آینده و یک بخش به دیدگاههای سیاسی آنها برمی گردد و همین مساله نشان می دهد که در واقع انگیزه های سیاسی برای تشکیل این دادگاه وجود داشته و دارد. وی افزود: بعد از تشکیل دادگاه هم، بیشترین تیرها و استفاده ها و به نظر من سوءاستفاده ها، در زمینه تفکر سیاسی متهمان صورت گرفته است یعنی اینکه مثلا عبیدی اعتراف کرده است که طرح حاکمیت دوگانه صحیح بوده یا نبوده است. یا در مورد فرزندم و خروج از حاکمیت دیدگاههایی ارایه کرده است. تاج زاده در ادامه اضافه کرد: "این شواهد نشان می دهد، هم کیفرخواست و هم بهره برداری صورت گرفته، سیاسی است و به هیچ وجه یک روند حقوقی را دنبال نمی کند. . . به هر حال، آن بخشی که مربوط به موسسه بود، عبیدی جرمی را نپذیرفت و به صورت شرطی گفت که اگر اشتباهاتی باشد جبران می کنم، آن بخشی هم که سیاسی است، اصلاح طلبان موضعی را اتخاذ کرده و براساس آن، عمل می کنند." عضو ارشد جبهه مشارکت درباره بحث "شرایط حساس" که در سخنان عبیدی در دادگاه مطرح شده بود، گفت: "تا امکان ارتباط مستقیم با عبیدی برایم فراهم نباشد نمی دانه چه مجموعه مسائلی با عبیدی مطرح کرده اند و چه اطلاعاتی در اختیار او گذاشته اند که او را به چنین نتیجه ای رسانده است." وی افزود: "من چند روز پیش با خانم آقای گرانپایه تلفنی صحبت کردم، می

گفت بعد از دادگاه رفته همسرم را ببینم سه بازجو آنجا ایستاده بودند و نمی گذاشتند فضای صحبت عادی من با شوهرم فراهم شود. او گفت که برخی از نکاتی را که با گرانپایه مطرح می کرد، بازجوها جواب می دادند، لذا وی اعتراض کرده و گفته است که من آمده ام شوهرم را ببینم، نیامده ام که با شما بحث بکنم. یعنی بعد از دادگاه آقای گرانپایه، مانع شدند که یک سری اطلاعات معمولی هم در اختیار او قرار بگیرد." تاج زاده اضافه کرد: "از طرف دیگر، متاسفانه روشهایی که در بازجویی ها در گذشته اعمال شده روشهایی بوده که به هیچ وجه قابل دفاع نیست. آقای افشاری به من گفت که دو بار به او گفته اند که وصیت نامه ات را بنویس، چون امشب می خواهیم اعدامت کنیم و همچنین شنیدم روز نوزدهم خرداد، ساعت دو، برای او اخبار پخش کرده اند و در آن اخبار با صدای یکی از گویندگان مشهور رادیو و تلویزیون اعلام شده است که خاتمی در انتخابات شکست خورد و به این وسیله می خواستند روحیه او را بشکنند." تاج زاده ادامه داد: "شبی همین کار را با مهندس سبحانی انجام داده بودند. روزنامه ای به او نشان داده بودند مبنی بر اینکه کودتای اصلاح طلبان شکست خورده است." تاج زاده در انتها می گوید: "من نمی دانه در این دو ماهه در سلول های انفرادی چه گذشته، بخصوص اینکه بعد از دادگاه هم نمی گذارند این ارتباط برقرار شود. این نشان می دهد که یک مجموعه بسته ای در آنجا حاکم است که امکان تماس آزاد ما با این دوستان وجود نداشته باشد. بازهم تاکید می کنم، مادام که افراد در سلول انفرادی هستند، حرفهایشان فاقد اعتبار است و برای اینکه جوانان فکر نکنند در این مرحله خاص این مشکل پیش آمده، بنده عرض می کنم که، مهندس بازرگان، با همه سن و سال و سابقه ای که داشت اعلام کرد که من به حرفهایی که قبل از زندان می زدم به آن اعتقاد دارم، اگر رفته زندان و چیز دیگری گفتم، شما آن را جدی نگیرید و باور نکنید."

بهر صورت دادگاه فرمایشی عباس عبیدی نشان داد که جنبش مردمی و نیروهای اصلاح طلب چاره بی جز تشدید مبارزه و مقاومت در برابر تهاجم وسیع و سازمان یافته نیروهای ارتجاعی را ندارند. سناریویی که در دادگاه برای عباس عبیدی به اجرا در آمد سناریوی کهنه بی است که اگر به مرتجعان حاکم اجازه آن داده شود برای شمار دیگری از نیروهای اصلاح طلب و دگراندیش نیز به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد. تنها با اعتراضات وسیع توده بی است که می توان شکنجه گران و دژخیمان ملیس به لباس قضاوت را با شکست روبه رو کرد.

## انتخابات شوراها

در حالی که بر اساس گزارش های متفاوتی انتخابات شوراها با استقبال کم مردم روبه رو شده است وزارت کشور خبر از نامزدی ده ها هزار نفر برای شرکت در انتخابات شوراها داد و گروه های سیاسی به موضع گیری در این زمینه ادامه دادند. نیروهای مدافع ذوب در ولایت با اشاره به عدم استقبال وسیع مردم تاکنون از اظهار نظر صریحی در زمینه دادن لیست های انتخاباتی خودداری کرده اند و برخی از آنان همچون "جامعه روحانیت مبارز" و نیروهای همفکر با توجه به شکست سنگین و مفتضحانه بی نامزدهای پیشنهادی آنان در انتخابات گذشته مجلس شورا محتمل شده اند احتمالاً از اعلام لیست نامزدهای خود به صورت علنی طفره خواهند رفت. برخی نیروهای ملی - مذهبی با صدور بیانیه هایی مردم را به شرکت در انتخابات فراخوانده اند و بر اساس آخرین گزارش های رسیده شماری از چهره های ملی همچون توسلی خود را نامزد شرکت در انتخابات کرده اند. ستاد مرکزی انتخابات شوراها "جبهه مشارکت ایران اسلامی" نیز برای دعوت از نامزدهای انتخاباتی برای ثبت نام در انتخابات شوراها، اطلاعیه ای صادر کرد. به گزارش ایسنا در این اطلاعیه، آمده است: "شوراهای اسلامی شهر و روستا به عنوان پایه بی ترین نهاد مشارکت ملی برای آبادانی میهن و نماد فراگیر استقرار مردم سالاری در کشور یکی از مهم ترین دستاوردهای اصلاحات به شمار می آیند. فرارسیدن زمان برگزاری دومین دوره انتخابات شوراها اسلامی شهر و روستا فرصتی ارزشمند است برای آن که نیروهای توانمند و با تجربه و مورد اعتماد اقشار مردم که عمیقاً به مبانی مردم سالاری اعتقاد دارند، خود را به میدان رأی مردم درآورند و با اتکا به پشتوانه آرای عمومی، اداره امور شهرها و روستاها و نظارت بر تحقق هرچه بهتر مطالبات مردم را در اختیار گیرند. اطلاعیه "جبهه مشارکت ایران اسلامی" می افزاید: "با توجه به فرصت باقی مانده از زمان ثبت نام نامزدهای انتخاباتی شوراها اسلامی شهر و روستا از تمامی افراد متخصص، توانمند و دارای تجربه و دانش در تمام زمینه های لازم جهت اداره شهرها و روستاها دعوت می کند که در این میدان وارد شوند و برای نامزدی در این انتخابات نام نویسی کنند." این اطلاعیه اضافه کرده است: "رونی انتخابات شوراها و افزایش مشارکت ملی و رقابت سالم نامزدهای انتخاباتی نشان دهنده عزم مستحکم ملت ایران برای نهادینه شدن هرچه بیشتر مردم سالاری به عنوان یک آرمان ملی است."

همچنین بر اساس گزارش های رسیده گروه کارگزاران سازندگی نیز قصد دارد تا به طور فعال در انتخابات شوراها شرکت کند. عطریانفر عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با رد احتمال ارایه لیست مستقل از سوی این تشکل سیاسی گفت: "در حال حاضر، خواهان ارایه لیست مشترک با گروه های دوم خردادی هستیم." محمد عطریانفر عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در گفت و گو با ایسنا در بیان برآیند حاصل از جلسه اخیر شورای مرکزی این حزب گفت: "در این جلسه، موضوع کاندیداتوری کرباسچی در انتخابات شورای شهر مطرح شده است؛ ایشان اعلام کرد که تمایلی نسبت به شرکت در انتخابات ندارد. وی با اعلام این مطلب که هنوز کارگزاران و کرباسچی به جمع بندی مشخصی درباره حضور یا عدم حضور در انتخابات شورای شهر

## نامه شماری از نمایندگان کارگران شرکت نفت به کارشناسان سازمان بین المللی کار

بر اساس گزارش خبرگزاری ایسنا، شماری از نمایندگان کارگران شرکت نفت در نامه ای خطاب به کارشناسان سازمان بین المللی کار، ضمن محکوم کردن دخالت نهادهای غیر کارگری و وابسته خواهان تشکیل نهادهای مستقل کارگری شده اند. در این نامه که متن آن توسط ایسنا منتشر شده است خطاب به "برنارد جرنیگان" و "کارن کرتیس" کارشناسان سازمان بین المللی کار، که به منظور بررسی جایگاه تشکلهای کارگری در ایران از طرف شاخه آزادی اتحادیه های سازمان بین المللی کار و اداره آزادی انجمنهای این سازمان به ایران سفر کرده بودند، آمده است: "شما در تاریخ هفت سپتامبر تا سوم اکتبر ۲۰۰۲ از طرف سازمان بین المللی کار برای بررسی مسائل کارگری به ایران آمدید. در پایان سفر اطلاعیه یی از جانب شما در نشریات داخل کشور و همچنین سایت خبری دانشجویان ایران "ایسنا" به چاپ رسیده است. در این اطلاعیه شما ضمن تاکید اصولی بر نبود تشکلات مستقل کارگری در ایران گفته اید که انجمن صنفی روزنامه نگاران و رانندگان وسائیل نقلیه سنگین دو نمونه خوب از تشکلات مستقل کارگری هستند. اما برآستی این انجمنها تشکلات مستقل کارگریند؟ طبق اسناد مستند، تشکیل دهندگان انجمن صنفی روزنامه نگاران به طور عموم نه کارکنان مطبوعات، بلکه صاحبان مطبوعات هستند و در انجمن صنفی رانندگان وسائیل نقلیه سنگین نیز صاحبان کامیونها در مقابل رانندگان از اکثریت مطلق برخوردارند. لازم به یادآوری است که یکی از روزنامه نگاران، محمدرضا عاشوری، مدیرمسئول نشریه اندیشه و جامعه که در جلسه این انجمن حضور داشته است، در مصاحبه خود این موضوع را بدرستی نشان داده است، (در این باره به مصاحبه ایشان با روزنامه کاروکارگر در تاریخ ۲۸ شهریور ماه سال ۸۰ مراجعه شود) همچنین از پنج نفر هیات مدیره آن، سه نفر نماینده مجلس و چهار نفر عضو جبهه مشارکت هستند (ایسنا ۷/۱۱/۲۰۰۲)، بنابراین مشخص می شود که این دو تشکل ساخته احزاب سیاسی بوده و تشکل واقعی کارگری نیستند. از طرف دیگر بنا به گفته سعادت، مدیرکل امور بین الملل وزارت کار و امور اجتماعی در نشست سه جانبه بین حسن صادقی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار به عنوان نماینده کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران ایران، با نماینده کارفرمایان ایران و دولت، قراردادی را برای کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر و کمتر به امضا رسانده اند و متأسفانه نماینده شما که در آن جلسه شرکت داشته، بر آن صحنه گذاشته است، در صورتی که صادقی به هیچ وجه صلاحیت شرکت در این جلسات به عنوان نماینده کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر را ندارد، زیرا وی نماینده شوراهای اسلامی کار است و طبق ماده ۱۵ قانون تشکل شوراهای اسلامی کار مصوبه ۳۰/۱۰/۶۳ و ماده یک آیین نامه انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار مصوبه ۳۰/۴/۱۳۶۴ هیات وزیران، در کارگاههای ۳۵ نفر و بیشتر می توان شوراهای اسلامی تشکیل داد، بنابراین شوراهای اسلامی کار نمی توانند اصولاً در کارگاههای ۱۰ نفر و کمتر تشکیل شوند و از این رو صادقی به عنوان نماینده شوراهای اسلامی کار حق امضای قرارداد برای کارگاههای ۱۰ نفر و کمتر را نداشته و نماینده این قبیل کارگاهها نیست، از طرف دیگر سعادت اظهار داشته است که اصولاً هنوز تشکلی به نام کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران ایران وجود ندارد (گزارش ایسنا ۷/۱۱/۲۰۰۲) و این یک بار دیگر ثابت می کند که صادقی از طرف کارگران کارگاههای ۱۰ نفر و کمتر که ۹۶ درصد کارگران کارگاههای کوچک در این محیطهای کاری مشغول به کار هستند، هیچ گونه نمایندگی قانونی نداشته اند که چنین قراردادی را امضا کنند. شما بخوبی می دانید که طبق تبصره ماده ۱۵ قانون شوراهای اسلامی کار ایجاد هر گونه تشکل در صناعی بزرگ چون نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب آهن، صنایع مس و صنایع سنگین منوط به اجازه شورای عالی کار است و تاکنون نیز این نهاد اجازه ایجاد تشکلی در این صنایع را نداده است. علاوه بر این کارگران صنایع

زیر ۳۵ نفر هیچ گونه تشکلی ندارند و شوراهای اسلامی کار نیز که یک تشکل کاملاً دولتی و ایدئولوژیک است، پس از ۲۳ سال از هفت هزار کارگاه موجود، تنها در دو هزار کارگاه افرادی را به عنوان نماینده کارگران منصوب کرده اند، بنابراین در غیاب تشکل های مستقل کارگران ایران، امضای هرگونه قرارداد سه جانبه جنبه قانونی و واقعی ندارد.

انتظار این است که شما بر چنین حرکاتی صحنه نگذارید تا در موقعیت پیش آمده، کارگران ایران بتوانند به دور از تئوریه افراد و احزاب موجود دولتی، تشکلات مستقل خود را سامان دهند. امضاکنندگان این نامه که در سالهای اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در یک موقعیت آزاد و دموکراتیک توسط کارکنان صنعت نفت به عنوان نماینده آنان انتخاب شده ایم، خواستار توصیه مسائل زیر از طرف شما به مسوولان وزارت کار هستیم. با توجه به اینکه شما در مورد اصلاح قانون کار مشغول فرستادن توصیه نامه هایی به وزارت کار هستید، خواستار حذف

۱- تمامی مواردی از قانون کار هستیم که به نحوی مانع ایجاد تشکلات مستقل و غیرایدئولوژیک کارگران هستند، تا کارکنان صنعت نفت و صنایع بزرگ بتوانند تشکل مستقل خود را بر مبنای مقاله نامه ها و توصیه نامه های آن سازمان به وجود آورند.

۲- با توجه به چگونگی تشکیل خانه کارگر که خود بر آن واقف هستید و اخیراً خانه کشاورز در ایران که در اولی نمایندگان دولت و احزاب سیاسی و در دومی مالکان زمین های ۱۰ هکتار به بالا به عنوان نماینده کارگران و کشاورزان جمع شده اند، از شما درخواست می کنیم تمام امکانات خویش را در این جهت به کار اندازید که یک مجمع عمومی آزاد برای ایجاد اتحادیه های مستقل کارکنان صنعت نفت با نظارت مستقیم نمایندگان سازمان بین المللی کار و اتحادیه های آزاد بین المللی برگزار شود، تا از دخالت نیروهای غیرکارگری در آنها مانعت به عمل آید. در پایان آمادگی خود را برای یک جلسه حضوری و توضیح مبسوط مسائل مطرح شده در این نامه اعلام می کنیم.

امضا کنندگان: علی بیچگاه، نماینده شورای متحده پالایشگاه تهران در شورای کارکنان صنعت نفت، محمد صادق خرم، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه شیراز در شورای صنعت نفت، عبدالرسول فقهازاده، نماینده شورای ابزار دقیق پالایشگاه تهران، کیومرث شهینی، دبیر سندیکای کارگران انبار نفت ری، خطوط لوله و مخابرات صنعت نفت، یدالله خسروی، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه تهران در شورای صنعت نفت.

### آمار جالب کارگری

رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار از جمله گفته است: "در یک بررسی آماری حدود ۷۰۰ واحد تولیدی بزرگ تا به امروز دچار بحرانند و از این ۷۰۰ واحد تولیدی ۱۳۵ واحد آن نساجی است که عملاً در ورطه تعطیلی قرار گرفته اند. . . این ۱۳۵ واحد با عدم پرداخت حقوق از ۲ ماه تا ۳۶ ماه مواجهند که در این واحدها در حدود ۳۶ هزار و ۴۳۲ نفر مشغول بکارند. . . ۴۷۰۰ نفر در بخش چینی سازی مشکل دارند و ۱۵ واحد صنایع چوب با ۴۵۰۰ کارگر با مشکل عدم پرداخت دستمزد و امنیت شغلی دست و پنجه نرم می کنند، ۲۸ کارخانه مواد غذایی که ۸ هزار کارگر در آنها مشغول بکارند با بحران مواجه هستند. در صنعت چرم سازی و پوست حدود ۱۸ هزار کارگر یا در حال تعدیل اند یا در حال اخراج هستند و در کل کشور حدود ۷۵ هزار کارگر در وضعیت اسفباری بسر می برند و از لحاظ معیشتی مشکل دارند. . . ؟"

**آزادی برای همه زندانیان  
سیاسی ایران!**

### ادامه نگاهی به رویدادهای جهان ...

متحدان آن نشانه‌های غیر قابل انکار و مهمی در کوشش برای اعمال یک دیکتاتوری واقعی در جهان که بر اساس آن همه تحولات در خدمت منافع سرمایه‌اند، را به نمایش می‌گذارد. سیاست‌گذاران کنونی ایالات متحده در سال گذشته به دفعات در جریان تدقیق و گسترش لیست کشور های عضو "محور شیطانی" و اعلام سیاست "تغییر رژیم" در عراق به وضوح اعلام کرده‌اند که برای آنان افکار عمومی جهان و ساختارهایی از قبیل سازمان ملل متحد تا آنجایی مطرح است که در راستای منافع سرمایه‌داری جهانی باشد.

ایدئولوگ‌های سرمایه‌داری و مبلغان نظم نوین جهانی که در آستانه قرن بیست و یکم از آن به عنوان "قرن سرمایه‌داری" و "قرن آمریکا" و شروع دوره‌ای از تاریخ که "نیروهای بازار" در خدمت فراهم آوردن نیازهای انسان به کار گرفته خواهند شد، نام برده بودند، در سال گذشته در مواجهه با تیتیرهای رسانه‌های خبری در مورد تهدید جنگ در مناطق مختلف جهان، تروریسم، رکود اقتصادی در جهان، شیوع بی سابقه بیماری ایدز در آفریقا، تغییرات ناگهانی شرایط جوی و چالش طلبیده شدن سرمایه‌داری نو لیبرال از طرف طیف گسترده‌ای از نیروهای مردمی پاسخی جز سکوت نداشتند. آن‌ها نیز به وجود بحرانی همه جانبه در جهان سرمایه‌داری که ریشه در سیستم اقتصادی حاکم داشته و راه حل‌های ضد انسانی و مهلک امپریالیسم برای تخفیف و خروج ازین بحران واقف‌اند. بر رغم سیادت یکپارچه سرمایه‌داری بر جهان و پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران در مورد کاهش شتاب و توقف بحران همه جانبه، در سال ۲۰۰۲ رکود اقتصادی سرمایه‌داری تعمیق بیشتری یافت و میلیون‌ها زحمتکش در آسیا، اروپا و آمریکا با پیوستن به لشکر وسیع بیکاران بهای آن را پرداختند. کاهش رشد اقتصادی در آمریکا، تعمیق بحران بیکاری در آلمان، ادامه رکود اقتصادی ۱۰ ساله در ژاپن و وارد بحران شدن اقتصاد کشور های قدرتمند اتحادیه اروپا وسعت و عمق بحران اقتصادی جهانی را به نمایش می‌گذارد. تاریخ معاصر جهان نمونه‌های مشخصی در رابطه با عملکرد سرمایه‌داری برای غلبه بر بحران در چنین شرایطی در بر دارد. احزاب کمونیست- کارگری رشد نظامی‌گری و توسل به جنگ در سال‌های اخیر، و عملکرد ویژه آن در سال ۲۰۰۲، را مستقیماً در رابطه با بحران کنونی سرمایه‌داری ارزیابی می‌کنند.

"جنگ بر ضد تروریسم" که به مثابه سیاست رسمی دولت‌های حاکم در آمریکا و انگلستان و کشورهای عضو ناتو اعلام شده است، عملاً یکی از اصلی‌ترین تهدیدها بر ضد بشر در جهان معاصر است. عملیات تروریستی و از جمله حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر مشخصاً بهانه‌های لازم را به امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی برای توجیه سیاست‌های جنگ طلبانه و سرکوبگرانه داده است. این امر تهدیدی جدی بر ضد موجودیت و مشروعیت سازمان ملل است. جورج بوش که در تابستان ۲۰۰۱ عملاً در تقابل با بحران رشد یابنده اقتصاد آمریکا شکست خورده بود از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر برای توجیه تخصیص بودجه‌های عظیم به مصارف نظامی و نتیجتاً کمک به صنایع عظیم نظامی بحران زده ایالات متحده استفاده کرد.

برای سیاست‌گذاران کاخ سفید "جنگ بر ضد تروریسم" و ادامه نامتناهی آن بهانه‌ی برای تقویت نظارت انحصارهای امپریالیستی بر منابع نفتی منطقه خلیج فارس، حاشیه دریای خزر و آسیای میانه و بازارهای دست نخورده خاورمیانه و جنوب غربی آسیا است. متأسفانه جا افتادن این گرایش در سیاست خارجی ایالات متحده و کشورهای اصلی اروپا باعث

تشویق و تشدید تجاوزات دولت اسرائیل بر ضد مردم فلسطین و تقویت جبهه مخالفت با حل مسأله از طریق مذاکره شده است.

سرمایه‌داری که سال ۲۰۰۲ را در جریان لشکرکشی به افغانستان و گسیل مدرنترین نیروهای نظامی خود برای تغییر رژیم مورد نظر در این کشور آغاز کرد، روزهای پایانی آن را در تدارک جنگی مهیب‌تر در عراق و در همسایگی مرزهای میهن مان در تعقیب سیاست "تغییر رژیم" در این کشور و لیست طولانی کشورهایی که شامل ایران نیز می‌باشد، گذراند. مسئولان سیاست‌گذاری ایالات متحده در واپسین ماه‌های سال ۲۰۰۲ عامدانه سیاست تحریک جمهوری دموکراتیک کره به درگیری را در پیش گرفتند. آموزنده است که توجه کنیم که پرزیدنت جورج دبلیو بوش در اولین موضع‌گیری‌های خود در ژانویه سال ۲۰۰۰، در شروع دوره ریاست جمهوری خود، رسماً و یکجانبه و بطور غیر مسئولانه‌ای سیاست همگرایی دو کره را که در دوره ریاست جمهوری کلینتون آغاز شده بود ملغی کرد و از تابستان گذشته دور تازه‌ای از اقدامات تحریک آمیز به ویژه از طریق ژاپن در رابطه با اتباع این کشور که بیش از ۲۶ سال در کره زندگی کرده‌اند، را در پیش گرفت. دونالد رامسفلد، وزیر دفاع ایالات متحده، در دسامبر در پاسخ برخی کشور های اروپایی متحد آمریکا در رابطه با عقلایی نبودن گشودن دو جبهه جنگ در دو منطقه متفاوت جهان، بویژه با توجه به امکانات نظامی کره شمالی، مدعی شد که آمریکا قادر به سازماندهی موفق نیروهای نظامی خود در دو جبهه است. اینکه سران ایالات متحده احتمال استفاده از سلاح‌های اتمی بر ضد جمهوری دموکراتیک کره را مطرح کرده‌اند، حساسیت شرایط و تبعات خطرناک طرح‌های امپریالیسم را نشان می‌دهد. مخالفت علنی و فعال دولت کره جنوبی، متحد نزدیک و استراتژیک ایالات متحده، با موضع دولت بوش و تظاهرات وسیع جوانان و زحمتکشان این کشور در اعتراض به سیاست ماجراجویانه آمریکا از سوی افشاگر این حقیقت است که سیاست افزایش تشنج در رابطه با کره شمالی با منافع مردم کره جنوبی همخوانی ندارد و فقط در راستای مواضع برتری طلبانه تنها ابرقدرت جهان است و از سوی دیگر اینکه زحمتکشان بطور فعال بر ضد چنین مواضعی مبارزه خواهند کرد.

### نقطه عطف!

سال ۲۰۰۲ میلادی از سوی دیگر ممکن است که به مثابه نقطه عطفی در دوره پس از فروپاشی اتحاد شوروی در تاریخ ثبت شود. در این سال ایدئولوژی مسلط بر جهان برای بیش از یک دهه به کنار زده شد و زحمتکشان به طور عریان سببیت و غیر انسانی بودن سرمایه‌داری را تجربه کردند. در اوضاع گیج‌کننده سال‌های پس از ۱۹۹۰ و پایان جنگ سرد، ایدئولوگ‌های برجسته سرمایه‌داری وعده جهانی همگرا و صلح‌آمیز را می‌دادند. بر طبق این نسخه‌ها "جوامع عقب مانده" (کشورهای سوسیالیستی سابق و بسیاری از کشورهای عقب مانده) برای بهره‌مند شدن از مواهب و پیوستن به "دهکده جهانی" مرفه، شاد و خوشبخت فقط لازم بود که سیاست‌های اقتصادی و ساختارهای سیاسی خود را با استانداردهای "غربی" هماهنگ کنند.

در طول دهه ۱۹۹۰ این توهومات بی پایه که به صورت هدفمندانه‌ای توسط سرمایه‌داری و به منظور گسترش تسلط سیستم اقتصادی-سیاسی و فرهنگی آن دامن زده می‌شد، از سوی طیف وسیع و متنوعی از نیروهای چپ و مترقی همانگونه که در سیاتل، جنوا، داس، بانکوک، دهلی، پورتو الگره، پراگ و فلورانس شاهد آن بودیم به چالش طلبیده شد.

ولیکن باید اذعان کرد که این فقط طیف متنوع نیروهای چپ نبود که به نقد این ایدئولوژی "جهانی شدن سودمند" که گویا از ثمر آن همه فقیر و غنی و

## ادامه نگاهی به رویدادهای جهان ...

شمال و جنوب به تساوی بهره مند خواهند شد، پرداخت. گروه‌های مختلف نظریه پردازان دست راستی در اروپا و ایالات متحده نیز با سرسختی مردود بودن نظریه يك جهان "يك دست" (homogeneous) را اعلام می‌کردند و از زاویه ای دقیقاً منطبق بر منافع طبقاتی خود مطرح می‌کردند که جهان نه تنها "يك دست" نیست بلکه مشخصه تعیین کننده آن برخورد تمدن‌ها و به بیان دیگر منافع و سیستم‌های ارزشی است. آن‌ها به نوبه خود خواهان اعمال نظمی آهنین، نظامی‌گر و امپریالیستی بر جهان بودند. انتخاب جورج بوش در سال ۲۰۰۰ به ریاست جمهوری آمریکا فرصت مناسب و حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر مستمسک لازم برای کنار گذاشتن دورنمای استراتژیک قبلی را که توسط دولت کلینتون برای ۸ سال مد نظر قرار گرفته بود، به وجود آورد،

ارتجاعی‌ترین ثنوریسین‌های بورژوازی در سال‌های آغازین قرن بیست و یک بر پایه درس‌گیری مشخصی از تحولات قرن قبل و در جهت ابدی کردن حاکمیت سرمایه کوشش همه جانبه و تعیین کننده‌ی را برای بازتعریف دورنمای استراتژیک مطرح برای جامعه انسانی شروع کرده‌اند. البته باید اذعان کرد که نمی‌توان فقط ظهور جورج بوش و یا تراژدی ۱۱ سپتامبر را توضیح دهنده دلایل تسلط این گرایش جدید سرمایه‌داری جهانی و شکست نظریه پردازان مدافع تعریف جهان به مثابه "دهکده جهانی" مرفه دانست. پوچ بودن وعده‌های ظهور نظم اقتصادی نولیبرالی‌یی که در آن منافع همه اقشار و طبقات در تطابق باهم خواهد بود و پیش‌بینی در رابطه با گذار به دموکراسی جهانی "بر رغم واقعیات اجتماعی" در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی به اثبات رسیده بود. برنامه‌های تعدیل اقتصادی که از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی گویا به منظور غلبه بر بحران عقب ماندگی کشور‌های جهان سوم در آسیا و آفریقا تجویز شده بودند عملاً اثراتی معکوس به جا گذاردند. مصنوعی بودن بشارت گذار دموکراتیک در جوامعی که در چنگال فقر و ویرانی گرفتار بودند، در تجربه خلق‌های آفریقا به اثبات رسیده بود.

## تنها چاره بسیج زحمتکشان است!

مسلط شدن جناح‌ها و جنگ طلب سرمایه‌داری، در ابتدای قرن جدید، از سوی دیگر لزوم به میدان کشیدن وسیع‌ترین صفوف زحمتکشان در مبارزه برای صلح و پیشرفت را در دستور کار نیروهای مترقی جهان قرار داده است. آنچه در فوریه در جریان گردهمایی اجتماعی پورتو الگره، در اعتصاب‌های عمومی و یکپارچه در ایتالیا، اسپانیا و پرتغال، در تظاهرات ضد جنگ بی‌سابقه در لندن و در گردهمایی و تظاهرات فلورانس شاهد بودیم، نشانه‌های امیدوار کننده‌ای از عملکرد موفقیت آمیز نیروهای مترقی را به نمایش می‌گذارد.

پیروزی اخیر کاندیدای حزب کارگر برزیل، لولا دو سیلوا، در انتخابات ریاست جمهوری برزیل، يك رخداد بسیار با اهمیت می‌باشد و نمایشگر امکانات مهمی است که در صورت توفیق در بسیج طیف وسیع نیروهای مخالف جهانی شدن سرمایه‌داری در کشورهایی که مشخصه‌هایی شبیه به برزیل دارند نظیر ترکیه، آرژانتین و حتی ایران، در اختیار نیروهای مترقی و رادیکال قرار خواهد گرفت. حزب کمونیست برزیل و اتحادیه‌های کارگری برزیل رسماً و در ائتلافی پایدار و استراتژیک با حزب کارگر از نامزدی لولا حمایت کرده و کارزار موثری را در این رابطه سازمان دادند.

پیروزی انتخاباتی لولا و رای چشمگیر مردم به نفع او و بر ضد

کاندیدای نیروهای راستگرا و سرمایه‌داری بزرگ برزیل، پرزیدنت کاردوسو، بسیار برجسته و معنی‌دار است. کاردوسو که زمانی از موضع چپ توسعه وابسته را مورد انتقاد قرار می‌داد، در مواضع قدرت چه در مقام وزیر مالیه و چه در دو دوره ریاست جمهوری سیاست کلان اقتصادی خود را بر اساس دستیابی به رشد از طریق جلب سرمایه‌گذاری خارجی و از جمله از طریق خصوصی سازی صنایع دولتی تنظیم کرد. نتیجه این سیاست‌ها تعمیق وابستگی برزیل و تاثیر ویران کننده تحولات اقتصادی فرامرزی بر اقتصاد بومی و از جمله بحران فلج کننده اقتصادی سال‌های ۹۹-۱۹۹۸ بود. این جالب و آموزنده است توجه کنیم که در کنار حمایت وسیع کارگران و قشرهای فقیر و محروم از لولا، سرمایه‌داران کوچک و متوسط متکی به تولید ملی که بطور فزاینده‌ای از سیاست دولت سابق در حمایت از کمپانی‌های انحصاری صدمه دیده بودند، نیز آرا خود را به نفع کاندیدای حزب کارگران برزیل به صندوق ریختند. نیروهای مترقی جهان در کنار درک واقعیات مبارزه زحمتکشان برزیل و محدودیت قدرت مانور لولا در شرایط مشخص کنونی جهان با علاقه و همبستگی تحولات برزیل را تعقیب می‌کنند. در اهمیت این واقعه تاریخی همین بس که اشاره شود که در جریان مراسم تحلیف ریاست جمهوری لولا بیش از ۲۰۰۰۰۰ تن از زحمتکشان برزیل به خیابان‌ها آمدند و به جشن و پایکوبی برخاستند و فیدل کاسترو، رئیس جمهوری انقلابی کوبا، و هوگو چاوز، رئیس جمهوری محبوب و رادیکال ونزوئلا، حضور بر جسته داشتند. چاوز در برزیل و در جریان بحث‌های خود با کاسترو و لولا با مطرح کردن توان "محور خوبی" در قالب اتحاد کوبا، برزیل و ونزوئلا به امکانات بالقوه نیروهای مترقی در آمریکای لاتین در مقابله با طرح‌های تجاوزگرانه آمریکا توجه داد. پرزیدنت لولا حمایت خود از هوگو چاوز و قصد خود به تقویت همکاری‌های اقتصادی بین برزیل و ونزوئلا را اعلام کرده است.

بررسی اجمالی روند‌های تعیین کننده سال ۲۰۰۲ را نمی‌توان بدون اشاره به مبارزه پیچیده طرفداران انقلاب بولیواری در ونزوئلا به پایان برد. در هفته‌های پایانی سال سرمایه‌داری وابسته و نیروهای ارتجاعی با حمایت آشکار ایالات متحده کوشش خود برای فلج کردن اقتصاد کشور، ایجاد هرج و مرج و تدارک کودتای جدیدی بر ضد پرزیدنت هوگو چاوز دو چندان کردند. قطع تقریباً کامل تولید و صادرات نفت کشور را با بحرانی بی‌سابقه روبرو کرد. نیروهای ارتجاعی خواهان برکناری هوگو چاوز از پست ریاست جمهوری می‌باشند در حالیکه او دو بار در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ برای وسیع مردم و به طور قانونی و بر پایه برنامه‌ای رادیکال برای دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اقتصادی کشور انتخاب شده است. مخالفان چاوز او را به کمونیست بودن و سعی در ایجاد جامعه‌ای بدون تفاوت‌های طبقاتی متهم می‌کنند و از هر شیوه غیرقانونی برای پایین کشیدن او از قدرت بهره خواهند جست. در چشم نیروهای ارتجاعی حمایت چاوز از منافع زحمتکشان و عدالت اجتماعی جرم بزرگ اوست. ولیکن تاکنون حمایت زحمتکشان و آنان که از برنامه‌های چاوز برای تعدیل و تقسیم ثروت بهره‌مند می‌شوند، که در دایره‌های بولیواری (کمیته‌های مردمی و محلی دفاع از انقلاب بولیواری) متشکل هستند، و نیز حمایت از ادامه برنامه‌های رادیکال رئیس جمهوری توطئه‌های کودتاگران را نقش بر آب کرده است. در آخرین روزهای سال نشانه‌های امیدوار کننده‌ای ازین که با شرکت توده‌ها و عمل مشخص آنان روند توطئه کنونی نیز مانند کودتای ماه آوریل به شکست انجامیده است، به چشم می‌خورد. این نیز بار دیگر اثباتگر نقش بی‌بدیل توده‌ها و تشکل و سازمان دهی آنان در مبارزه برای اهداف سیاسی، صلح و عدالت اجتماعی است. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

## ادامه حرکت گام به گام و تاکتیک های ...

برای افکار عمومی آشکار شده است، پیوند نزد و با لجاجت بی معنا و منطق کور کشور را از حضور یک حزب قوی محروم نسازد.

صحبت های نبوی از آن رو جالب است که حتی شریعتمداری مدیر مسئول کیهان در باره حزب مشارکت در یک اجتماع دانشجویی گفت: "من پیشنهاد دادم، اما پیشنهاد من حذف نبود، بلکه پیشنهاد انحلال بود" (حیات نو، ۳ دی ماه).

اقدامات هدف داری که در بالا ذکر آن رفت روی دیگری هم دارد که در قالب پروژه "وفاق جناح ها" در صدد است، سازشی را بین جناح های حکومتی برقرار سازد. روزنامه "اعتماد"، که پروژه تخریب اصلاحات را با دفاع و حمایت از آن آغاز کرده است طی یادداشتی گوشه هایی از این حرکت های موزیانه را نشان می دهد. این روزنامه در مقدمه، سنگ اندازی های مخالفان اصلاحات از مقطع جنبش دوم خرداد ۷۶ تاکنون را باعث "شکاف در میان نیروهای راست" ارزیابی کرده و با ذکر مثال هایی چند، این طیف را متهم به بحران سازی های جدید کرده است. اظهارات شریعتمداری مبنی بر "پالایش خط نفاق جدید در دولت، مجلس و ریاست جمهوری" از این جمله بحران سازی ها ذکر گردیده است. مقاله "اعتماد" در حالی که موزیانه به قسمتی از واقعیت های وضعیت سیاسی میهن اشاره می کند، در صدد القای این مسأله است که اقدامات سرکوب گرانه، مورد توافق تمامی افراد جناح راست نیست و در این باره به سخنان محبیان، استعفای میرمحمد صادقی و عدم همکاری فراکسیون اقلیت در مجلس مبنی بر آبستراکسیون، اشاره می کند و می نویسد: "استعفای میر محمد صادقی سخنگوی قوه قضاییه در واکنش به صدور حکم اعدام آغا جری و بیانیه ها و اطلاعیه های پی در پی دادگستری تهران که وی نمی تواند حامی آن باشد نیز در اتخاذ این خط مشی از سوی کیهان بی تاثیر نبوده است و حاکی از عمیق تر شدن مرزبندی ها و شکاف میان محافظه کاران است" (اطلاعات بین المللی ۲ دی ماه).

صادق زیبا کلام از مهره های نزدیک به رفسنجانی و کارگزاران با این پیش بینی که در انتخابات آینده بسیاری از دوم خردادی ها و اصلاح طلبان رد صلاحیت خواهند شد و جناح راست مصمم و قاطع در مقابل آنها خواهد ایستاد و با اضافه کردن این مسأله که در انتخابات آینده تعداد رای دهندگان به کمتر از نصف کاهش پیدا خواهد کرد، بر ضرورت ادامه اصلاحات تاکید می ورزد. زیبا کلام در ادامه در تبیین دیدگاه های اصلاح طلبانه خود و همفکرانش و در ادامه پروژه خلق جناح افراطی، لب کلام و دورخیز جناح حامی اش را مشخص می کند و می گوید: "در ترکیب بعدی که ظرف یکی دو سال آینده شکل می گیرد، محافظه کاران مجدداً تمام قدرت را به دست می گیرند و اگر جریانات معقول، تعقل گرا و میانه روی محافظه کاران بتوانند در زمینه توسعه اقتصادی، اصلاحات اقتصادی، کاهش تورم، کاهش بیکاران، کاهش فساد، اعتیاد و کاهش انواع و اقسام مشکلات و مصایب جدی که گریبانگیر جامعه شده اند، مقابل جناح های تندرو و رادیکال راست بایستند و اصلاحات را به جلو ببرند، برای نظام، آینده ای وجود خواهد داشت (آفتاب یزد، ۵ دی ماه).

امیر محبیان، از سخنگویان و نظریه پردازان مرتجعان حاکم، در مصاحبه بی که با پایگاه اینترنتی "بازتاب" داشته در مورد هیاهوی تبلیغاتی "اختلاف" در جناح راست و مشخصاً کیهان نشینان، می گوید: "دوستان کیهانی مواضع خود را منطبق با جناح منتقد دولت نمی دانند، لذا خودشان را از یک موضع فراجناحی مطرح کرده و هواداران خود را در همین جهت گردآوری می کنند. البته در همان مصاحبه هم گفتم که نکات مثبتی در مواضع آنها وجود دارد، از جمله تلاش آنها به عدالتخواهی که به نظر من بسیار ارزشمند است و از طرفی نگاه آنها به شکل سازمان دهی سیاسی تا حدود زیادی نگاه پوپولیستی است و با گرایش ما که گرایش حزبی است، متفاوت است. بنابراین اختلافاتی وجود دارد، اما به معنای شکاف نیست. ما وظیفه داریم از انقلاب و نظام حمایت کنیم، با این تفاوت که ما در مرحله تثبیت، معتقد به سازمان دهی سیاسی هستیم و آنها بر این باور نیستند. در عوض دوستان کیهانی، نوعی نگاه امنیتی به ماجرا داشته و در برخی مواقع، امنیت را مافوق عدالت می دانند و به برقراری امنیت ارجحیت بیشتری می دهند." محبیان در حالی این سخنان را می گوید که پس از دادگاه عبیدی در مصاحبه بی با ایستا، ۴ دی ماه، گفته است: "در تاریخ معاصر به ویژه سال های اخیر باید دو تاریخ را به خاطر بسپاریم، یکی هجدهم تیر ۷۸ و دیگری چهاردهم دی ماه ۸۱، اینها دو مقطع تاریخی هستند که در آنها، رادیکالیزم چه در جنبه فیزیکی و چه در جنبه فکری، نقطه شروع سقوط خود را دید."

حال این سوال مطرح است که شادمانی محبیان از اظهارات عبیدی در دادگاه ناشی از چه دیدی است؟ آیا از دید امنیتی است یا گرایش حزبی؟ از مجموعه داده های بالا می توان چند نتیجه را استنتاج کرد. اولین نکته بی که باید به آن توجه کرد این است که آیا در جناح راست اختلاف وجود دارد؟ از دید جنبش اصلاح طلبی این موضوع نمی تواند در درجه اول اهمیت قرار داشته باشد. آن چیزی که برای جنبش مردمی مسلم و محرز است این است که سد و سرکوب روند اصلاحات مورد توافق کامل تمامی سرکوب گران است و اختلافات موجود تنها بر سر شیوه های سرکوب است و نه اختلاف بر سر تمکین یا عدم تمکین به خواست های مردم. ارتباط دادگاه عبیدی با جنبه مشارکت در حالی برجسته می گردد که صرف برپایی چنین دادگاهی در ارتباط با یک نظر سنجی بوده است. شادمانی محبیان و همفکرانش نشان می دهد در پس این غوغا، مسایل بسیار مهم تری قرار گرفته که نحوه برخورد با تشکیلات نآرामी همچون جنبه مشارکت از آن جمله است. اظهارات محبیان، نبوی و شریعتمداری تفاوت دو دیدگاه بر سر دو شیوه سرکوب است و نه هیچ چیز دیگر. این موضوعی نیست که تنها مورد توجه جناح حکومتی طرفدار سرکوب قرار گرفته باشد، جناح حکومتی طرفدار اصلاح و بخصوص طیف مماشات طلب آن نیز به دست و پا افتاده است. علی شکاری راد، عضو مجلس و جنبه مشارکت، با تشریح پروژه وفاق، گفت: "با همکاری مرتضی مبلغ، معاون سیاسی وزارت کشور و مرتضی نبوی عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسی که دو عضو دیگر این گروه هستند برای یافتن راه کارایی مناسب جهت طراحی الگوی وفاق تلاش خواهیم کرد." (بهار، ۸ دی ماه)

محسن یحییوی از اعضای موتلفه نیز با سخنانی مشابه در این باره گفت: "عبیدی نمایش افراطی گری در اوج آن بود و تفکر افراطی گری در وی به فرجام منطقی خویش رسید. با اعتراف به اشتباهات خود توسط عبیدی، این رویکرد به پایان زود هنگام و شکستی قابل پیش بینی منتهی شد و از این پس وفاق، اعتدال و قانون گرایی نقش غالب را خواهد داشت." (رسالت، ۸ دی ماه)

بدین ترتیب با تشکیل یک دادگاه فرمایشی و استفاده حداکثری از آن برای مایوس کردن مردم برای پیگیری خواسته هایشان، ریزنی های پشت پرده ای شروع گردیده که دو طرف آن را سرکوب گران و مماشات گران تشکیل می دهند یعنی نیروها و افرادی که تنها دغدغه آنها، حفظ "نظام" و سرکوب جنبش است.

اما موضوعی که به عمد بر آن با اشکال مختلف تاکید می شود، این است که روندهای موجود در صحنه سیاسی ایران در طول چند سال گذشته را به نحوی در جناح های حکومتی محدود می کنند. کسانی که صادقانه و واقع بینانه جنبش مردمی را مورد بررسی قرار داده اند به این مهم بارها اشاره کرده اند که روند موجود ناشی از خواسته یا تمایل این شخص یا گروه در داخل حاکمیت که برخاسته از بطن جامعه ماست. جوانان، زنان، کارگران، روشنفکران، دانشجویان و توده های میلیونی خواست هایی دارند که در چارچوب مناسبات کنونی انجام آن میسر نیست. هوشیاری جنبش مردمی از این منظر و از آن رو قابل اهمیت است که بند بازی های جدید حکومتیان را همچون گذشته با شکست سنگین مواجه سازند. ما اطمینان کامل داریم، جنبش مردمی با درایت و هوشیاری این ترفندهای جدید را به سود جنبش اصلاحات پشت سر می گذارد و راه سخت و ناهموار خویش را با موفقیت طی خواهد کرد.

## حزب توده ایران در نشریات حزب کمونیست آفریقای جنوبی

**اومسبنزی آن لاین**، نشریه جدید انتشار حزب کمونیست آفریقای جنوبی، در اولین شماره خود در مهرماه، تحت عنوان "کمونیست های جهان با جنگ آمریکایی در عراق مخالفت می کنند" (این بیانیه در نامه مردم شماره ۶۴۴ منتشر شد). می نویسد: "انتهای سپتامبر بیست و دومین سالگرد شروع جنگ ایران-عراق بود که ۸ سال ادامه یافت، دو کشور همسایه را به ویرانی کشید و شکست انقلاب ۱۹۷۹ در ایران را تسهیل کرد. کمونیست های جهان با انتشار بیانیه یی مخالفت خود با تحریکات ایالات متحده در خاورمیانه را اعلام کردند. در سالگرد این واقعه تاریخی، حزب توده ایران ۳۴ حزب کمونیست-کارگری جهان، که مبارزین طبقه کارگر در راه صلح و دموکراسی را در پنج قاره جهان نمایندگی می کنند، را بسیج کرد تا مخالفت کامل خود با جنگ و ترور و حمایت خود از مبارزه خلق ها برای صلح، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی اعلام کنند." در ادامه این مقدمه متن کامل بیانیه مشترک احزاب برادر و اسامی آنان چاپ شده است.

**آفریقای کمونیست**، فصلنامه ارگان تئوریک حزب کمونیست آفریقای جنوبی، که از وزن و اعتبار ویژه ای در محافل کارگری جهان برخوردار است و در سراسر گیتی توزیع می شود، در صد و شصتمین شماره خود که در آبانماه منتشر شد، در مقاله یی تفصیلی به بیان مواضع حزب توده ایران در رابطه با مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم در خاورمیانه پرداخته است. آفریقای کمونیست در این شماره ویژه که مصوبات کنگره ۱۱ حزب کمونیست آفریقای جنوبی را مورد بررسی قرار می دهد، نظر به اهمیت تحولات خاورمیانه متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سمینار بین المللی که در جریان کنگره برگزار شد، به چاپ رسانده است. در این مقاله تحلیلی تحت عنوان: مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم- موازنه نیروها در خاورمیانه، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران با ارائه زمینه های تاریخی تحولات منطقه از جنگ جهانی اول به اینسو و نقش کشورهای امپریالیستی در ایجاد بحران و ممانعت از شکل گیری جایگزین ترقی خواهانه و صلح آمیز به اوضاع کنونی و نقش نیروهای مختلف در مبارزه برای صلح و پیشرفت می پردازد.

## تهدید کره شمالی از طرف آمریکا!

در چند هفته اخیر تبلیغات تحریک آمیز و خصمانه ایالات متحده بر ضد دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره شدت گرفته است. این تبلیغات با مقابله شدید الحن جمهوری دموکراتیک خلق کره روبه رو شده است. در روز ۱۲ دسامبر کره شمالی، در آغاز زمستانی سخت، اعلام کرد که نیروگاه هسته ای خود را برای تولید انرژی دوباره به کار خواهد انداخت و در صورت لزوم به احداث نیروگاه های هسته ای جدیدی دست خواهد زد تا از فجایعی که ممکن است بر اثر تحریم ناگهانی نفتی که از سوی آمریکا صورت گرفته است، رخ دهد، جلوگیری کند.

ایالات متحده با اتهام های دروغین بر ضد جمهوری دموکراتیک خلق کره، تلاش می کند تا این کشور را منزوی، جنگی بر آن تحمیل کرده و موجودیت آن را به خطر بیندازد. دولت بوش کره شمالی را به همراه ایران و عراق، در زمره کشورهای موسوم به "محور های شیطانی" قرار داده است و اخیرا نیز پس از توقیف يك کشتی کره شمالی به بهانه حمل تسلیحات موشکی به یمن و سپس به عراق، اعلام کرد که دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره در تدارک ایجاد سلاح هسته ای برای حمله به آمریکا است و خواستار فرستادن هیئت های ویژه بازرسان هسته ای به این کشور شد که با مخالفت جدی کره شمالی روبه رو شد. تحت فشار قرار دادن کره شمالی موضوع جدیدی نیست. علت آن در گزارش سازمان اطلاعات و جاسوسی ایالات متحده، (سیا) در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۴۹، به خوبی آمده است. در این گزارش آمده است که: "کنترل بر روی کره و مردم آن... به طور قابل ملاحظه ای موقعیت کشور ما را تقویت خواهد بخشید."

پیش از آن نیز رییس جمهوری وقت ایالات متحده، "روزولت"، در کنفرانس تهران در نوامبر ۱۹۴۳ خواستار تحت الحمایگی کره به مدت ۴۰ سال زیر نظر ایالات متحده شد، که در آن زمان با مخالفت جدی استالین روبه رو گردید. پس از آن ایالات متحده طرح اشغال نظامی کره را درمد نظر گرفت و با گماردن رژیم های دست نشانده در نیمه جنوبی شبه جزیره کره، تلاش کرد تا نیمه شمالی را مورد تهدید دائمی قرار دهد. در پی شکست این سیاست، آمریکا دست به حمله نظامی به کره شمالی در سال ۱۹۴۹ زد که با مقاومت مردم کره به شکست انجامید.

به رغم سال ها تهدید نظامی و بایکوت اقتصادی از سوی آمریکا و کشورهای سرمایه داری، کره شمالی توانسته است ثبات سیاسی خود را حفظ کند و در رابطه با کره جنوبی ابتکار عمل را در دست داشته باشد. در مقابل نظم سیاسی- اجتماعی کره جنوبی در دهه های اخیر بر رغم پیشرفت صنعتی با بحران های جدی و مسأله مشروعبیت روبه رو بوده است. در حال حاضر این کشور دچار بحران های عمیق سیاسی و اقتصادی است. در این مدت دولت ایالات متحده همیشه نقشی دو گانه را در رابطه با کره شمالی بازی کرده است. در سال ۱۹۹۴ ایالات متحده موافقت نامه ای در ۴ ماده را با کره شمالی به امضا رساند. اولین آن کمک به ایجاد نیروگاه های آبی برای کره شمالی تا سال ۲۰۰۳ در برابر بسته شدن نیروگاه اتمی و تسلیحات مربوط به آن بود. اما پس از هشت سال هنوز قدمی برداشته نشده است. این به معنی از دست دادن يك میلیون وات برق در سال ۲۰۰۳ و ۲ میلیون وات در سال ۲۰۰۴ است. این مقدار برق برای کشوری سرد که مقدار بسیار کمی زمین مزروعی (۱۵ درصد) در اختیار دارد و در سالیان اخیر هدف فاجعه های طبیعی بوده است، مقدور نیست. به همین دلیل کره شمالی تصمیم گرفته است تا نیروی برق مورد نیاز خود را از تمامی راه های ممکن تولید کند. دومین ماده آن عادی شدن روابط اقتصادی و سیاسی بین دو کشور بود. اما جرج بوش، کره شمالی را به عنوان یکی از "محور های شیطانی" معرفی کرد و به طور يك جانبه به تحریم کمک های مواد غذایی و نفت دست زد و به همراه کره جنوبی و ژاپن در مرز های کره شمالی به تمرینات نظامی پرداخت و حتی به کشتی های کره شمالی حمله کرد. سومین مورد تضمین ایالات متحده به کره شمالی در مورد عدم حمله به کره شمالی بود. اما در مقابل ایالات متحده، کره شمالی را در زمره لیست خود برای حمله قرار داده است. چهارمین مورد آن، موافقت کره شمالی به بازدید تسلیحات اتمی این کشور از سوی بازرسان سازمان انرژی اتمی به شرط صدور لوازیم اولیه برای تاسیس نیروگاه آبی و توربین و ژنراتورها به کره شمالی بود. اما نه تنها هیچ اقدامی صورت نگرفت بلکه ایالات متحده و قیحانه تقاضای بازرسی از تسلیحات نظامی کره شمالی را کرده و دست به تهدید زده است.

سیاست تهدید آمیز ایالات متحده با مخالفت زحمتکش کره جنوبی و بالا گرفتن موج اعتراضات مردم این کشور روبرو شده است. دولت کره جنوبی نیز ناخشنودی خود را از اقدام تحریک آمیز متحد نظامی خود نشان داده و از روسیه برای میانجی گری تقاضای کمک کرده است.

آن چه که ایالات متحده را آزار می دهد نه قدرت نظامی و "خطر اتمی" کره شمالی، بلکه تضاد کامل فرهنگ سیاسی و نظام ارزشی کره دموکراتیک با ایالات متحده و متحدان آن در منطقه، کره جنوبی و ژاپن، است. با پیش گرفتن سیاست "یا ما یا علیه ما" از سوی دولت بوش، طبیعتا ایالات متحده نمی تواند هیچ استثنایی در هیچ جای دنیا را بپذیرد و یا اجازه دهد تا خللی در سیاست "برتری طلبانه" آن وارد شود.

## اطلاعیه دبیرخانه «شورای جهانی صلح»

برچیدن پایگاه‌های آمریکایی، در دفاع از صلح و حق حاکمیت خلق‌ها در حال رشد می‌باشند.

اکنون تقریباً یک سال پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، که به طور وسیعی در سراسر جهان محکوم شد، بیش از هر زمانی آشکار گردیده که این فاجعه دستاویزی برای افزایش تدریجی سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکا در تلاش برای تحمیل سیطره و نفوذش قرار گرفته است.

با وجود این باید گفت مشاهده گردهمایی‌های گسترده و بی‌سابقه بر ضد جنگ و معضلات جهانی شدن که در سال‌های اخیر شکل گرفته‌اند، بسیار چشمگیر و دلگرم‌کننده هستند. جنبش‌های متنوع و بی‌شماری که مخالف اوضاع و احوال کنونی‌اند با شتاب در حال شکل‌گیری هستند. برای نمونه می‌توان از تظاهرات آمریکا، انگلستان، شهر فلورانس در ایتالیا، پراگ پایتخت جمهوری چک و بسیاری از پایتخت‌های اروپا و دیگر کشورها نام برد.

شورای جهانی صلح هم از طریق دبیران خود و هم جنبش‌های ملی عضو در سازماندهی مشترک این بسیج‌ها شرکت داشته است. هیئت دبیران شورای جهانی صلح جنبش‌های صلح را فرا می‌خواند که مبارزه خود را شدت داده، با ابتکارات و بسیج‌ها چه بیشتر مردم به تقویت این مبارزات پرداخته و از برداشتن هر گامی برای پیوند دادن جنبش‌های گوناگون گسترش‌یافته کوتاهی نوزند و در عین حال فعالیت‌های مستقل خود را به مثابه اعضای شورای جهانی صلح و به منظور کمک به تشکیل یک جنبش وسیع و مبارزه جو صلح بر ضد نظم نوین جهانی افزایش دهند.

۲۲ آذرماه ۱۳۸۱ (۴ دسامبر ۲۰۰۲)، آتن

### ادامه انتخابات شوراهای شهر ...

دست نیافته‌اند، گفت: "حضور یا غیبت کرباسچی در انتخابات شورای شهر، رویکرد کارگزاران به این مساله را متفاوت می‌سازد که با توجه به فرصت زمانی باقی مانده برای ثبت نام در انتخابات شورا، تصمیم قطعی کارگزاران در این مورد در جلسه روز دوشنبه این تشکل سیاسی اتخاذ می‌شود. این عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با ثانوی خواندن موضوع ارایه لیست مستقل از سوی کارگزاران اظهار کرد در حال حاضر، مهم‌ترین مساله کارگزاران این است که کرباسچی برای حضور در این انتخابات، اعلام آمادگی کند. وی همچنین افزود: "کارگزاران در نظر دارند تا مطابق روند گذشته به همراهی با گروه‌های دوم خردادی به ویژه گروه‌های اصیل این جنبش پردازد، لذا در صورتی که دیگران نظری غیر از این امر نداشته باشند، این رویه حفظ می‌شود."

هیئت دبیران "شورای جهانی صلح" افزایش به شدت خطرناک سیاست‌های تجاوزکارانه دولت آمریکا در سطح جهان را محکوم کرد و از رشد هم‌زمان جنبش ضد جنگ ابراز خشنودی کرد.

امروز ما در مرحله حساسی قرار گرفته‌ایم. ایالات متحده آمریکا و انگلستان که توافق سایر کشورهای عضو ناتو را برای جنگی جدید در نشست اخیر پراگ به دست آورده‌اند، برای شروع یک جنگ جدید آماده می‌شوند. به نظر می‌رسد تصمیم به اجرای این طرح از قبل گرفته شده بود و هیچ ربطی به تصمیمات اتخاذ شده از طرف دولت عراق نداشته است و بلکه در جهت اهداف دولت آمریکا برای دستیابی به منابع انرژی در اروپا و آسیا است. دولت‌های آلمان و فرانسه نیز، از آن جایی که منافع‌شان مورد تهدید واقع شده، به مخالفت برخاسته‌اند اما بنظر می‌رسد که توافق این کشورها نیز در نهایت به دست آورده خواهد شد.

اما از طرف دیگر در سال‌های اخیر برای اولین بار است که جنبش مخالفت با جنگ چنین ابعاد وسیعی به خود گرفته است.

طرح جنگ بر ضد عراق فقط به این کشور خاتمه نخواهد یافت. بر طبق سخنان رییس جمهوری آمریکا سایر کشورهای به اصطلاح "محور اهریمنی" نیز شامل این برنامه‌های جنگی خواهند شد. واضح است که جنگ وسیله‌ای است که نظام سرمایه‌داری برای خروج از بحران کنونی و تثبیت حاکمیت ایالات متحده آمریکا و متحدانش زیر عنوان "نظم نوین جهانی" به آن متوسل شده است.

اجلاس ناتو در پراگ در روزهای ۲۱ و ۲۲ نوامبر و تصمیم‌های متخذه در جریان آن عواقب و نتایج خطرناکی برای بشر، برای آینده صلح و برای جنبش ما خواهد داشت. نظامی‌گری در اتحادیه اروپا با تصمیم این اتحادیه برای تاسیس یک ارتش اروپایی که نیرویی متجاوز بوده و بر ضد مردم به کار گرفته خواهد شد، در حال افزایش است.

اوضاع در آمریکای لاتین به سرعت رو به وخامت می‌رود. کوشش‌های مداوم برای سرنگونی رئیس جمهوری جدید در ونزوئلا و مداخله در کلمبیا، همچنین فشار و تجاوز مداوم بر ضد کوبا، و اکنون نیز دستگیری و زندانی کردن غیر عادلانه پنج جوان کوبایی در ایالات متحده که در تضاد آشکار با حقوق بشر است، شدت می‌گیرد. ما خواهان آزادی سریع این زندانیان کوبایی هستیم. در خاورمیانه کشتار فلسطینی‌ها با حمایت و یا چشم‌پوشی ایالات متحده آمریکا و سایر قدرت‌ها توسط دولت شارون ادامه دارد. هدف از بین بردن دولت خودمختار فلسطینی و هر نیرو و شخصیت سیاسی فلسطینی است که برای خاتمه اشغال توسط اسرائیل و ایجاد یک کشور واقعاً مستقل فلسطینی مبارزه می‌کنند.

در آسیا تضاد بین سیاست جنگ طلبانه و تعرض جویانه ایالات متحده آمریکا و آرمان صلح خواهی در منطقه دائماً در حال افزایش است. حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه نه تنها صلح و امنیت را تهدید می‌کند بلکه فشار و محرومیت را بر توده‌های کشورهای آسیایی که میزبان پایگاه‌های نظامی این کشور هستند تحمیل می‌کند. دیگر اینکه اکنون بیش از پیش روشن شده است که اتحاد و همکاری نظامی با آمریکا به معنای درگیر شدن کشورهای آسیایی در جنگ‌های تجاوزکارانه است. بنابراین جنبش‌ها و ابتکارهای نوین و بر ضد سیاست نظامی‌گری آمریکا و برای فسخ پیمان‌ها نظامی و

آدرس‌ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 651**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

7th January 2003

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse بانک